کاوشی در دعای ام داوود

سیّد علی‌اکبر ربیع نتاج*
زهرا اکبری**

چکیده: ادعیه مأثور از گنجینه‌های معنوی و میراث فرهنگی شیعه است که در بنیانهای اعتقادی و زیرساختهای فرهنگی اندیشهٔ شیعی و در تقویت ارکان ایمانی و تحکیم پایه‌های معرفتی انسان نقش شایسته و مؤثّر دارد. یکی از این دعاها، دعای استفتاح معروف به ام داوود است که به خواندن این دعا، به همراه اعمال ویژهٔ آن در نیمهٔ ماه رجب توصیه شده است. این دعا را بزرگانی چون شیخ طوسی، ابن طاووس و علامه مجلسی از نظر تأثیر برای رسیدن به حاجت و رفع گرفتاری و برطرف شدن ظلم و ستم، معتبر دانسته‌اند.

در این نوشتار که تحقیقی پیرامون دعای شریفه است، تلاش بر این بوده که پس از آشنایی اجمالی با دعای ام داوود، صحت صدور آن از معصوم به یکی از سه شیوهٔ ارزش منابع و صحت سند و قابلیت انطباق بر قرآن و سنّت و عقل سنجیده شود.

---

*. دانشیار دانشگاه مازندران.
**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

کلید واژه‌ها: دعا / ام داود / منابع دعا / اسناد / صحت متن.

مقدمه

در میان فرقه‌های اقالیم قبله، مذهب تشیع به چند دلیل برای دعا جایگاه و مکانت والاتری در نظرگرفته است. یکی از اختصاصات شیعه پذیرش مسئلهٔ امر بین امرین در مبحث جبر و اختیار است، که براساس آن هیچ نیرویی در فعل خود استقلال ندارد و بی اذن او هیچ عامل مؤثری اثرگذار نیست و ارادهٔ خدا در همهٔ افعال جاری است. روشن است که اگر قدرت الهی در همهٔ افعال و حرکات عالمیان مؤثر باشد، طلب از او نیز در تمامی اعمال خرد وکلان انسان محل ظهور می‌یابد. در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «**سَلو الله عَزوجلَّ ما بدا لَکُم مِن حوائِجکُم حتّی شِسعَ النَّعل؛ فانّه ان لَم یُیَسِّرُه لَم یَتَیسَّر**»، یعنی برای هر نیازی که دارید حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش به سوی او دراز کنید؛ زیرا که تا او آن را آسان نگرداند آسان برآورده نشود. (محمدی ری شهری، ج ۴، ص ۱۶۵۳)

ویژگی دیگر مذهب تشیع، اعتقاد به امامانی است که مظهر همهٔ اسمای خداوند و مخزن و منبع معارف حقه الهی‌اند. روشن است که هر چه انسان در توحید به مراتب بالایی برسد، دعای او نیز بهتر و خالص‌تر می‌شود. (نک: ری شهری، **میزان الحکمه**، ج ۴، ص ۱۶۴۷) با این توضیح، بهترین دعا همان دعایی است که از سر معرفتی دقیق و بی‌خطا به خدا و بصیرتی عارفانه به نیازهای انسان انشا شده باشد؛ چنین دعایی را تنها در مکتب اهل‌بیت علیهم السلام که وارثان حکمت و معرفت پیامبرند، می‌توان یافت. دعا در مکتب ایشان نه فقط عرض نیاز به درگاه محبوب، بلکه سیر روح به دیار ملکوت و ارتباط مجذوبانه و عاشقانه با خداست که در قالب الفاظ فصیح و بلیغ و واژه‌هایی حساس و هیجان بار و ترکیبهایی ژرف و بیانی تکان‌دهندهٔ روح و بخشندهٔ حیات به دل، اداگشته‌اند.

ادعیه ماثور، محتوا و مضامین عالی دارند که در عالی‌ترین درجهٔ حکمت و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

عرفان اسلامی بیان شده است. لذا بسیاری از محدثان در پذیرش دعا، صرف نظر از بررسی سند طبق اصل **"دلالته تغنی عن السند"**، مضمون و محتوا را مورد وثوق قرار می‌دهند. بدین معنا که گاهی مفهوم و دلالت محتوای حدیث و دعا به قدری با عظمت و مطابق اصول است که از ارائهٔ هرگونه سند بی‌نیاز است و احتیاجی به آن ندارد. بسیاری از احادیث شریف نبوی و معصومین علیهم‌السلام و گروه کثیری از دعاها چنین سرنوشتی دارند و طبق این اصل مورد پذیرش قرار می‌گیرند. (جعفری، ص ۲۹) امّا گاهی شنیده می‌شود که عده‌ای افراد برخی از ادعیهٔ مأثور و قطعی الصدور را مورد نقد قرار داده‌اند، زمانی به سند آن خدشه وارد کرده و زمانی دلالت متن را نارسا قلمداد نموده‌اند. این به دلیل عدم درک و آشنایی صحیح با جایگاه و فضیلت ویژهٔ دعا در اسلام است که مهجور ماندن شمار فراوانی از ادعیه مأثور می‌تواند از دلایل اصلی این تشکیکات و نیز نتیجهٔ آن باشد.

از سوی دیگر، عنایت عالمان و دانشوران شیعه، بیشتر ناظر به شرح و تبیین معدودی از ادعیهٔ مأثور است که در این میان می‌توان، برای برخی تا ده‌ها شرح و ترجمه به عربی و فارسی برشمرد. امّا شمار زیادی از دعاها مورد شرح و معرّفی و پژوهش جدّی قرار نگرفته‌اند. از این‌رو در راستای ترویج دعا و فرهنگ دعایی اهل‌بیت علیهم‌السلام و رفع غبار و شبهه از چهرهٔ دعا باید گامهای مهمی برداشته شود.

با توجه به این ضرورتها، مقالهٔ حاضر گامی هر چند کوتاه در این راستاست. تلاش نویسنده بر آن بوده است که دعای ام داوود تا حد امکان مورد معرفی قرار گیرد و صحت صدور آن از حیث سند و محتوا سنجیده شود.

در این مقاله می‌کوشیم به این سوالات پاسخ گوییم:

۱. وجه نامگذاری دعا به ام داوود چیست؟

۲. آیا این دعا، از نظر سند صحیح است؟

۳. آیا مضمون و محتوای آن بر قرآن و سنّت و عقل، قابل انطباق است؟

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

روش بحث

آنچه در این مقاله بحث می‌شود، پژوهش در صحّت صدور دعاست. به همین منظور مسأله را از چند دیدگاه مورد بحث قرار می‌دهیم. به عبارتی دیگر قصد داریم درگام اوّل به بیان منابع و مصادر آن از گذشته تا حال بپردازیم؛ زیرا در مباحث روایی نقل درکتب معتبر وکثرت نقل نشانهٔ توجّه به روایات است.

درگام دوم از دریچهٔ علم رجال سعی شده، رجال مذکور در سند را با استفاده از آرای موجود درکتب رجال بررسی نماییم. در این قسمت دوکار مهم صورت گرفته است: اوّل تتبّع و جستجو برای یافتن عناوین تک تک رجال. دوم اینکه به ذکر توثیق خاص اکتفا شده است وکمتر از توثیقات عام استفاده کرده‌ایم، به این معناکه تا حدّ امکان بر اساس توثیق خاص حکم به وثاقت و یا عدم وثاقت راوی داده‌ایم.[1]

درگام سوّم برآنیم میزان اعتبار دعا را بر حسب انطباق برکتاب و سنّت و عقل ـ که مهمترین ملاک صحت روایات است ـ تأییدکنیم و سپس به جمع‌بندی بپردازیم.

آشنایی با ام داوود

عنایت معصومین علیهم‌السلام به علم‌آموزی زنان بسیار بوده است و از این محفل، هرکه مشتاق‌تر بوده، بهرهٔ بیشتری برده است. از همسران و دختران ائمّه علیهم‌السلام که بگذریم، نام تعدادی از زنان در زمرهٔ دانش آموختگان معصومین علیهم‌السلام درکتابهای سیره ثبت شده است. به دلیل تلاش و تعالیم معصومین علیهم‌السلام جهت ارتقای علمی بانوان و کوشش زنان برای فراگیری و رشد دانش خود، برخی از زنان به درجهٔ بلندی رسیده و از مردان جاهل عصر خود پیشی گرفتند. ام داوود نیز از جمله زنان راوی حدیث و دانشمند است که به شرف یادگیری دعای استفتاح از جانب امام صادق علیه‌السلام نائل آمد. تمام کسانی که دربارهٔ وی سخن گفته‌اند، شرح حال وی را همراه با نقل داستان

---

۱. به این دلیل که در توثیقات عام اختلافات زیادی وجود دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

نیمهٔ رجب بیان کرده‌اند.

ایشان همسر حسن مثنی از فرزندان بزرگوار امام حسن مجتبی علیه‌السلام است. (قمی، ص ۲۵۰) در شرح حال وی آمده است: "ام داوود، فاطمه دختر عبدالله بن ابراهیم است که کنیه وی به خاطر فرزندش داوود بن حسن بن علی بن ابیطالب، ام داوود معرفی شده است. ایشان مادر رضاعی امام صادق علیه‌السلام است. محدّث بزرگوار سیّد ابن طاووس (م۶۶۴ق) از وی با کنیه‌ام خالد یاد کرده و او را از جده‌های صالح و مؤمن خود دانسته است. (صادقی اردستانی، ص ۳۳۰)

در نام او اختلاف است. بعضی حبیبه و بعضی هم فاطمه گفته‌اند. ولی از عبارت ابن طاووس که دربارهٔ او می‌گوید: «**هی جدتنا الصالحه،المعروفه بام خالد البربریه، ام جدّنا داوود بن حسن بن علی بن ابیطالب**»، معلوم می شود که او مکنی به ام خالد و از نژاد بربر بوده است. (محلاتی، ص ۳۹۰، با اندکی تلخیص)

داوود فرزند ایشان، مکنی به ابو سلیمان با ام کلثوم دختر امام سجاد علیه‌السلام ازدواج کرد. (قمی، ص ۲۰۸) وی را از اصحاب صادقین علیهماالسلام دانسته‌اند. (تستری، ج ۴، ص ۲۳۶) او از جانب برادرش عبدالله محض تولیت صدقات امیرالمؤمنین علیه‌السلام را بر عهده داشت. (قمی، ص ۲۵۰). داوود، همراه سادات حسنی در مخالفت با دستگاه استبدادی منصور خلیفه عباسی به زندان افتاد و مدّتها از وی خبری نشد. ام داوود نزد حضرت امام صادق علیه‌السلام مشرف شد و از فراق فرزندش نالید. امام علیه‌السلام با مشاهدهٔ وضع نگران کنندهٔ او فرمود: «چرا از دعای استفتاح غفلت کرده‌ای؟ مگر نمی دانی که به وسیلهٔ این دعا درهای آسمان گشوده می شود و فرشتگان الهی دعا کننده را مژدهٔ اجابت می دهند و هیچ حاجتمند و دعا کننده‌ای مأیوس نمی شود و خداوند پاداش خوانندهٔ آن را بهشت قرارداده است.» (صدوق، ص۳۴)

امام علیه‌السلام در پاسخ ام داوود ـ که از کیفیت این دعا پرسید ـ دستور کامل اعمال و آداب دعا را به او تعلیم داد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

امام در ادامه فرمود: «آنچه را به تو یاد دادم حفظ کن، مراقب باش که از دستت خارج نشود و به دست دیگری نرسد، چون این دعایی شریف است و در آن اسم اعظم خداست، اسمی که اگر به آن خوانده شود مستجاب شود اگر چه آسمانها و زمین چسبیده باشند.....برای هرکس که این دعا را بخواند استجابت است مرد باشد یا زن، اگر جن و انس دشمن فرزند تو باشد تو را کفایت می‌کند و زبانشان را نسبت به تو لال می‌کند.» (همان، ص ۳۶)

ام داوود گوید: "امام این دعا را برایم نوشت و به خانه برگشتم تا این‌که ماه رجب رسید و دستورهای امام را طبق آنچه گفته بود انجام دادم. شب خسته شدم و در خواب دیدم که جمعی از فرشتگان و صابران و شهدا و عباد را که بر آنها درود فرستاده بودم و نیز پیامبرﷺ را دیدم. به من فرمودند: ای ام داوود این جماعتی را که مشاهده می‌کنی شفیعان تو هستند که برای تو دعا کرده‌اند و مژده می دهند که حاجت تو برآورده شده است. ام داوود گوید: از خواب برخاستم به اندازه‌ای که یک سوار تیزرو از عراق به مدینه بیاید، گذشته بود که ناگاه در باز شد و فرزندم بر من وارد گردید." (همان)

این بود سرگذشت این بانو، و دعایی که از امام صادقؑ روایت کرده و نتیجه‌ای که از دعا و آموزش حضرت به دست آورده است.

دو نکته قابل تأمّل در ماجرای نیمهٔ رجب به چشم می‌خورد:

اوّل، مطالبی که در فضیلت و عظمت این دعا از لسان امامؑ نقل گردیده است و دیگر، ثقه و مورد اعتماد بودن ام داوود نزد امامؑ. زیرا خود امام تصریح می‌کند که این دعای شریف را به کسی نیاموزد، بدین معنا که این دعا نباید به دست نااهلان بیافتد، که نشان می دهد ام داوود فردی قابل اعتماد نزد ایشان بوده است.

منابع دعای استفتاح

دعای ام داوود از جمله دعاهایی است که در منابع روایی اولیه و اصلی فریقین

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

ثبت شده است. این دعا در هفت جامع روایی نقل شده است. البته نقل برخی از آنها مستند به برخی دیگر می‌باشد که به ترتیب تاریخی از این قرار است:

۱ـ قدیمی‌ترین منبعی که به دعا اشاره دارد، کتاب **فضایل الاشهر الثلاثه** شیخ صدوق است.

وی در باب "حدیث ام داوود و عملها" پس از ذکر شش طریق و نقل داستان نیمهٔ رجب و اعمال دعا، متن دعا را ذکر نکرده و در همان بخش به کتاب **عمل السنه** خود ارجاع داده است.[1] با بررسی فهارس و جوامع روایی، این کتاب را نیافتیم، احتمال می‌دهیم این کتاب نیز از جمله آثار مفقودهٔ صدوق باشد که به دست ما نرسیده است.

در بررسی طرق روایات، اسناد وی را با وجود عدم ذکر متن دعا، مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم به سه دلیل: اوّل اینکه به گفتهٔ صدوق اعتماد می‌کنیم که متن را در کتاب دیگری ذکر کرده است، زیرا وی از بزرگترین شخصیتهای جهان اسلام و از برجسته‌ترین چهره‌های درخشان علم و فضیلت است و تألیفات فراوان وی در علوم و فنون مختلف همواره مورد توجه فقها و علمای شیعه بوده است.[2] وی کسی است که به دعای امام زمان (عج) متولد شده است. خود ایشان در این‌باره می‌گوید: "هرگاه ابو جعفر محمّدبن علی الاسود مرا می‌دید که برای گرفتن علم و دانش به محضر استاد می‌روم به من فرمود: این میل و اشتیاق به علم و دانش که در تو وجود دارد، مایهٔ شگفتی نیست؛ زیرا تو، به دعای امام زمان علیه‌السلام متولد شده‌ای." (صدوق، ج ۲، ص ۵۰۲)

دوم اینکه کتاب **فضایل الاشهر الثلاثه** وی همواره مورد توجه علمای شیعه قرار

۱. کتاب فضایل الاشهر الثلاثه صدوق یک کتاب با محوریت دعا نیست، بلکه عمدهٔ بحث آن در شناخت احادیث و نمازها و فضایل سه ماه رجب، شعبان و رمضان است. از این روی صدوق از ذکر متن دعا که نسبتاً طولانی هم بوده خودداری کرده و آن را به کتاب دیگر خود عمل السنه ارجاع داده است.

۲. برای توضیحات بیشتر (نک: طوسی، **الفهرست**، ص ۴۴۲).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

گرفته و از معتبرترین اصول روایی شیعه به شمار می‌آید. روایات آن در بسیاری از مجموعه‌های روایی بزرگ شیعه نقل شده است.

سوّم اینکه سندی که صدوق در این کتاب آورده، همان سند متن دعا است.

۲ـ منبع مهم و ارزشمند دیگر کتاب **مصباح المتهجد** شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) است که دعا را در باب "یوم النصف من الرجب" با حذف سند نقل می‌کند. (طوسی، ص ۸۰۷) این کتاب نیز ـ که از زمان نگارش پیوسته مورد توجه علما بوده است ـ مشتمل بر عبادات و دعاهایی است که از ائمّهٔ طاهرین علیهم‌السلام در ساعات و روزها و هفته‌ها و ماهها رسیده است و یکی از پر ارزش‌ترین کتب ادعیه است که از حیث اعتبار و قدمت در میان کتب مشابه خود امتیاز خاصی دارد. (دوانی، ج ۲، ص ۳۸۱)

۳ـ تنها منبع غیر شیعی دعای ام داوود، جامع روایی و دعایی "فضایل شهر رجب" از عالم اهل تسنّن، حاکم حسکانی (م ۴۹۰ق) است. وی دعای ام داوود را با ذکر یک سند در باب "باب الصلاه و الدعاء فی المنتصف رجب و هو المعروف بدعاء الاستفتاح" پس از نقل داستان نیمه رجب آورده است. (حسکانی، ص ۵۰۴) جامع روایی او شامل روایاتی دربارهٔ نمازها و دعاها و اعمال مستحبی ماه رجب است. اسناد این کتاب بیشتر از اهل تسنّن است، ولی گاهی به روایات شیعه استناد می‌کند؛ همانند این دعای شریف.

این کتاب از ارزش والایی در میان علمای شیعه و سنّی برخوردار است؛ چراکه مؤلّف آن از علما و فضلای علم حدیث و رجال در قرن پنجم هجری قمری به شمار می‌آید. علاوه‌بر آن در میان علمای شیعه نیز از احترام خاصّی برخوردار است. (نرم‌افزار جامع احادیث نور)

مرحوم شیخ عباس قمی در کتاب **فوایدالرضویه** خویش که اختصاص به معرفی و زندگانی علمای شیعه دارد، از وی نیز نام می‌برد و می‌گوید: "شیخ ابو القاسم صاحب شواهدالتنزیل لقواعدالتفصیل و خصایص علی بن ابیطالب فی القران و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

مسئله در تصحیح رد شمس و ترغیم نواصب الشمس". (قمی، ج ۱، ص ۲۶۱) با عنایت به این موارد و مطالب مشابه به آن می‌توان وی را از آن دسته از علمای اهل تسنّن دانست که ارادت خاصی به اهل‌بیت علیهم‌السلام داشته است.

۴ـ از منابع مهم دیگر دعای شریف، **اقبال الاعمال** سیّدبن طاووس (م۶۶۴ق) از علمای قرن شش و هفت هجری است که دعا را بدون ذکر سند نقل می‌کند. (ابن‌طاووس، ص ۶۵۸) نام کامل کتاب **الاقبال بالاعمال الحسنه فیما یعمل مره فی السنه** است. این کتاب مانند دیگر تألیفات وی از اعتبار و ارزش ویژه‌ای میان علمای شیعه برخوردار است و علمای پس از وی در موضوع ادعیه و زیارات خوشه‌چین خرمن او بوده‌اند.

۵ـ دو کتاب **بلدالامین** و **مصباح** علامه کفعمی (م۹۰۵ق) متضمن دعای مذکور است که ازنسخه **مصباح المتهجد** شیخ طوسی نقل شده است. (کفعمی، ص ۱۸۰؛ مصباح، ص ۵۳۰) موضوع این دو کتاب، ادعیه و زیارات است. وی ابتدا بلدالامین و سپس مختصر آن را به نام المصباح نوشته است. در اهمیت آن کتاب گفته شده با آنکه مصباح کبیر[1] شیخ طوسی از مقبولیت بالایی برخوردار بود و در اکثر خانه‌ها نسخه‌هایی از آن یافت می‌شد، با آمدن مصباح کفعمی کتاب شیخ طوسی جای خود را به مصباح کفعمی داد. (امین، ج ۲، ص ۱۸۴)

۶ـ علامه مجلسی (م۱۱۰۱ق) در کتاب عظیم **بحارالانوار** در دو جا دعای ام‌داوود را می‌آورد: یکی در جلد ۹۴ مطابق نقل صدوق در **فضایل الاشهر الثلاثه** (مجلسی، ج ۹۴، ص ۴۲)، دیگری جلد ۹۵ مطابق نسخهٔ **اقبال الاعمال** (همان، ج ۹۵، ص ۳۹۷)

۷ـ آخرین مأخذ دعای شریف، کتاب **مفاتیح الجنان** اثر مشهور شیخ عباس قمی

۱. با توجه به استقبال فراوانی که از کتاب "مصباح المتهجد" شد، شیخ خود تصمیم به تلخیص این کتاب گرفت و نام آن را "مصباح المتهجد صغیر" نهاد. از این‌رو کتاب اوّل با عنوان "مصباح کبیر" شهرت یافت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

است. (قمی، ص ۲۶۳) دربارهٔ ایشان نقل شده است که اگر کوچکترین تردیدی دربارهٔ صحت سند یک دعا یا زیارت داشت آن را در کتاب وارد نمی‌کرد. این دقت و ظرافت مثال زدنی ایشان، ناشی از تقوا و طهارت نفس و هم به جهت تسلّط و احاطهٔ علمی‌اش بر حدیث و روایت است. (دوانی، ج ۳، ص ۲۵۷) به گفتهٔ محدث قمی این متن از نسخهٔ مصباح علامه کفعمی نقل شده است و از آنجاکه نسخهٔ مصباح مطابق روایت شیخ طوسی در مصباح المتهجد است، با بهره‌مندی از کلام شیخ استفاده می‌شود که نقل مشهور موافق همان روایتی است که در مصباح المتهجد ذکر شده است.

نتیجه‌ای که ابتداً در برخورد با منابع به دست می‌آید، یکی اعتبار و ارزش این منابع و دیگر جایگاه والای این دعا در منابع روایی است. به بیان دیگر، کثرت منابع و اهتمام علما بر ثبت دعای شریف، مبنای ما در بررسی دعا طبق شیوهٔ اوّل است یعنی احراز اصالت دعا از طریق کثرت نقل و نقل در کتب معتبره. در نتیجه اصالت دعا و صحت صدور آن از معصوم علیهم‌السلام قطعی است.

بیان طرق دعا

طرق دعای ام داوود، هفت طریق است که شش سند آن در فضایل الاشهر الثلاثه شیخ صدوق و یک سند در فضایل شهر رجب حاکم حسکانی پیش روی ماست.

الف) اسناد دعا نزد شیخ صدوق

طریقه اول

«حدثنا جماعه من اصحابنا عن عبیدالله بن محمد بن جعفر القصبانی البغدادی عن ابی عیسی عبیدالله بن الفضل بن هلال عن عبدالله بن محمد البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن الفضل بن العلاء المدنی عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم بن الحسین»

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

در ارزیابی رجال سند آمده است:

۱ـ **جماعه من اصحابنا**: صدوق در بیشتر موارد ـ چه در مشیخه [1] و چه در کتبی که سند را کامل ذکر می‌کند ـ روایت را از یک شخص نقل می‌کند، مثلاً از پدر یا دیگر مشایخش. به ندرت نیز از افراد زیادی روایت می‌کند که در این صورت آن را با تعبیر "جماعه من اصحابنا" بیان می‌کند. محدثان، از این عبارات گروهی از اصحاب و مشایخ حدیث را اراده می‌کنند که توسط آنها حدیث نقل شده باشد که البته این واژه نه مفید مدح است و نه ذم. (قاسم پورو دیگران، ص ۱۴۴)

۲ـ **عبیدالله بن محمّد بن جعفر بن القصبانی البغدادی**: نام وی در کتب رجال درج نشده است. امّا شیخ طوسی در رجالش از شخصی به نام عبیدالله‌بن محمّدبن عائذ بغدادی نام می‌برد و می‌گوید: **"یکنی ابا محمد، سمع منه التلعکبری سنه ستین و ثلاثماه و له منه اجازه و کان ینزل باب الطاق"** (طوسی، ص ۴۳۲)

۳ـ **ابی عیسی عبیدالله بن فضل بن هلال**: نجاشی دربارهٔ وی می‌گوید: **اصله کوفی، انتقل الی مصر و سکنها، له کتب منها: زهرالریاض کتاب حسن کثیرالفواید**. (نجاشی، ص ۲۳۲)

وی از مشایخ جعفربن محمّدبن قولویه است، به این دلیل که در اسناد "کامل الزیارات" قرار دارد. (ابن قولویه، ص ۲۲۷) از نکات مهمی که دربارهٔ مشایخ جعفربن محمّدبن قولویه باید بدان توجه کرد، وثاقت مشایخ اوست؛ زیرا خود در ابتدای کتاب گفته است:

> **«وقد علمنا بانا لانحیط بجمیع ما روی عنهم فی هذا المعنی و لاغیره، لکن وقع لنا من جهه الثقات من اصحابنا رحمهم الله برحمه و لا اخرجت فیه حدیثا روی عن الشذاذ من الرجال یوثر ذلک عنهم عن المذکورین غیر المعروفین بالروایه المشهورین بالحدیث و العلم»**

۱. کتابی است که محدثان، شیوخ و سلسه اسناد روایات خود را در آن ذکر کرده‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

یعنی ما دانستیم که نمی‌توانیم به تمام آنچه از ائمّه روایت شده احاطه پیدا کنیم. لذا به آنچه که ثقات روایت کرده‌اند اهمیّت دادیم. (ابن قولویه، ص ۱۵)

به همین علّت آیت الله خویی معتقد است که اگر راوی در سلسه اسناد کتاب **کامل الزیارات** واقع شده باشد دلیل بر وثاقت اوست.[۱] (خویی، ج ۱، ص ۴۹)

این مطلب کمک بزرگی است برای توثیق بسیاری از روات شیعه، که نامی از آنها در کتب رجالی نیامده و یا وثاقتشان ثابت نشده است.

۴ـ **عبدالله بن محمّد البلوی**: شیخ طوسی در مورد او آورده است: «**کان واعظا، فقیها، له کتب منها: کتاب الابواب و کتاب المعرفه و کتاب الدین و فرائضه**». (طوسی، الفهرست، ص ۸۰) امّا نجاشی وی را ضعیف دانسته است. (النجاشی، ص ۳۲۴)

ابن الغضایری دربارهٔ اوگفته است: «**کذاب، وضاع للحدیث ،لا یلتفت الی حدیثه و لا یعبا به**». (ابن غضایری، ص ۸۰) فقیهان هنگام تعارض بین قول نجاشی و سایر علمای رجال، سخن نجاشی را ملاک و میزان دانسته‌اند و آن را بر قول دیگران مقدم می دارند. (ربانی، ص ۵۶)

۵ـ **ابراهیم بن عبیدالله الفضل بن العلاء مدنی**: وی کسی است که در تمامی طرق، دعا را از ام‌داوود نقل می‌کند. بررسی شخصیت اوگامی مهم در احراز صحت سند دعا است.

دربارهٔ اوگفته شده است: «**الذی لا یعرف الا بما ینسب الیه، عبدالله بن محمد البلوی و ینسب الی ابیه عبیدالله العلاء، عماره بن زید و ما یسند الیه الا الفاسد، المتهافت**» (ابن‌الغضایری، ص ۷؛ ابن داوود، ص ۴۱۶؛ علامه حلّی، ص ۹۸) آرای علامه و ابن داوود به تعبیر خودشان مستند به قول ابن الغضایری است، لذا می‌توان منشاء تضعیف را ابن‌الغضایری دانست. البته خود ابن‌الغضایری در نظر برخی از بزرگان متأخر توثیق نشده است. (رحمان ستایش، ص ۳۸ ـ ۳۹)

۱. برای مطالعه در این زمینه (نک: ربانی، **دانش رجال الحدیث**، ص ۲۷۸ ـ ۲۷۶).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

به‌علاوه موضع علمای رجال در انتساب کتاب **الرجال** یا همان **الضعفا** غضایری چندین‌گونه است. عده‌ای مانند آیت الله خویی معتقدند که این کتاب از تألیفات ابن‌غضایری نیست، بلکه عده‌ای از دشمنان شیعه آن را ساخته و بر علیه شیعه تألیف کرده‌اند. مهمترین دلیل این قول آن است که شخصیتهای برجسته و راستگو به وسیلهٔ او تضعیف گردیده‌اند و این دلیل آن است که نسبت دادن این کتاب به ابن‌غضایری دروغ است. (خویی، ج ۱، ص ۱۰۲) شیخ آقابزرگ تهرانی نیز در کتاب **الذریعه** ساحت ابن غضایری را از انتساب به این کتاب مبرّا می داند و معتقد است با فرض صحت انتساب این کتاب به ابن‌الغضایری کمتر کسی است که از طعن او جان سالم به در برده باشد. (تهرانی، ج ۴، ص ۲۸۸)

آیت الله سبحانی احتمال می دهد کتاب **الضعفا** متعلق به ابن غضایری است. وی در تبیین نظر خود می‌گوید:

"احتمال دارد که ابن غضایری همان‌طور که کتاب الضعفا داشته، در مقابل کتاب ممدوحین نیز داشته است؛ زیرا همان‌طور که شیخ تصریح کرده، او دو کتاب دربارهٔ مصنفات و راویان نگاشته است و شاید یکی از این دو کتاب دربارهٔ ممدوحین بوده است و چه بسا که تعداد ممدوحین بیشتر از مذمومین و ضعفا بوده، ولی کتاب ممدوحین به دست ما نرسیده است.[1] (سبحانی، ص ۸۸)

نکتهٔ اصلی در بی‌اعتباری سخنان ابن غضایری آن است که تضعیفات او بر اساس امور حسیه نیست، بلکه بر اساس اجتهادات و حدسیات خویش راویان را جرح و تعدیل نموده است. (ربانی، ص ۶۸) از بررسی عبارتهای غضایری روشن می شود که او روایاتی را که ناقل معجزات و کرامات بوده، غلو دانسته و اگر فردی را می دید که با عقاید وی موافق نبود، تردیدی به خود راه نمی داد که محتوای روایت غلو و راوی آن دروغگو افتراپرداز است و بی‌درنگ حکم به ضعف و دروغگویی

۱. برای توضیحات بیشتر (نک: سبحانی، **کلیات فی علم فی رجال**، ص ۷۹ ـ ۱۰۲).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

وی می کرد. (رحمان ستایش، ص ۳۸)

حاصل سخن اینکه ابراهیم بن عبیدالله بن الفضل با کنار گذاشتن رأی ابن غضایری باز هم مجهول است، زیرا در دیگر کتب رجال نامی از وی نیامده و وصفی از وی مذکور نیست. نهایت چیزی که می توان گفت این است که دربارهٔ وی توقف کنیم.

طریقه دوم

حدثنا جماعه من اصحابنا عن ابی الحسن عبیدالله بن محمّد بن جعفر القصبانی عن ابی محمّد الحسین بن سیف العدل عن علی بن یعقوب عن عبدالله بن محمّد المبارک الانصاری البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم بن الحسین

تعدادی از راویان این سند و اسناد بعدی در قسمت قبل ذکر شدند، بنابراین ترجمهٔ رجال باقی مانده را بیان می‌کنیم:

۱ـ **ابی محمّد الحسین بن سیف العدل**: روشن نیست وی کدام شخصیت روایی است. اگر مقصود "الحسین بن سیف الکندی" باشد، شیخ طوسی تنها به ذکر نام وی اکتفا کرده است (طوسی، **الرجال**، ص ۱۸۲) و اگر مقصود "الحسین سیف" باشد وصفی از وی در کتب رجال نیست و فقط شیخ طوسی به ذکر راوی و مروی عنه او می پردازد. (طوسی، **الفهرست**، ص ۱۴۱)

۲ـ **علی بن یعقوب**: وی از راویان مشترک است. در معجم رجال الحدیث آمده است: «**وقع بهذالعنوان،فی اسناد جمله من روایات تبلغ تسعه عشرموردا**». (خویی، ج ۱۳، ص ۲۲۳)

۳ـ **عبدالله بن محمّد بن محفوظ بن المبارک الانصاری البلوی**: وی مجهول است. نام وی در کتب رجال ذکر نشده است، تنها شیخ علی نمازی در ذیل نام او آورده: «**لم یذکروه،وقع فی طریق صدوق عن علی بن یعقوب عنه عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء**

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

حدیث عمل الاستفتاح المشهور بعمل ام داوود فی رجب» (نمازی شاهرودی، ج ۵، ص ۱۰۲)

طریقه سوم

حدثنا ابی محمّد الحسن بن حمزه العلوی عن ابی غانم اسماعیل بن عبدالرحمن الحارثی عن ابی محمّد عبدالله بن محمّد العلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم بن الحسین

در بحث رجالی ایشان آمده است:

۱ـ **ابی محمّد الحسن بن حمزه العلوی**: او همان"الحسن بن حمزه بن علی بن عبدالله بن محمّد بن الحسن بن الحسین بن علی بن ابیطالب" است که علمای رجال دربارهٔ وی گویند: او مکنی به ابو محمّد طبری مرعشی و از بزرگان و فقها و ادبای این طائفه است و کتابهای بی‌شماری را به وی نسبت داده‌اند. (طوسی، **الفهرست**، ص ۱۳۵؛ النجاشی، ص ۶۴؛ حلّی، ص ۹) گرچه توثیق خاص دربارهٔ وی نیست؛ امّا ذکر علمای رجال در توصیف وی را می‌توان توثیق عام دانست. از طرفی دیگر به نظر عده‌ای از رجالیون اگر نجاشی نام شخصی را در کتابش ذکر کرده باشد ـ جز کسانی را که خودش آنها را تضعیف کرده است ـ حتی اگر مدحی هم نکرده باشد او امامی و ثقه است. (رضایی، ص ۱۷۰)

۲ـ **ابی غانم اسماعیل بن عبدالله بن عبدالرحمن الحارثی**: وصفی از وی در کتب رجال نیست و شیخ طوسی در ذیل نام او به "کوفی" اکتفا کرده است. (طوسی، **الفهرست**، ص ۱۶۰)

طریقه چهارم

حدثنا حمزه بن محمّد بن احمد بن جعفر عن زیدبن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب عن ابی الحسین محمّد بن الحسن الدینوری عن یعقوب بن نعیم بن عمرو بن قرقاره عن جعفربن احمد الینبعی عن ابیه عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

در مبحث رجالی می‌خوانیم:

۱ـ **حمزه بن محمّد بن احمد**: وی همان حمزه بن محمّد بن احمد بن جعفربن محمّد بن زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیه‌السلام است. آیت الله خویی او را از مشایخ صدوق می‌داند که از علی‌بن ابراهیم قمی روایت کرده است. (خویی، ج ۶، ص ۲۸۲) در توضیح باید گفت، بسیاری از علما معتقدند که تمام محدثان و مشایخ صدوق، که شیخ از آنها روایت کرده است موثق می‌باشند. نقل شیخ از آنها دلیل بر توثیق آن خواهد بود؛ زیرا شیخ صدوق تصریح کرده که از غیر ثقه نقل نمی‌کند (ربانی، ص ۳۱۸)، علامه مجلسی نیز بر این نظر است. به عقیدهٔ او، تمام راویانی که در سلسله مشیخه صدوق واقع شده‌اند موثق‌اند، و وقوع راوی در سلسله مشیخه دلیل بر توثیق اوست. (خویی، ج ۱، ص ۸۰) البته به گفتهٔ آیت الله خویی به جز برخی از مشایخ صدوق که بر اساس منابع دیگر می‌توان آنها را ناصبی دانست. (همان، ج ۱، ص ۸۰)

۲ـ **ابو الحسین محمّد بن الحسین الدینوری**: نام او در کتب رجالی پیشین ذکر نشده است، امّا آیت الله خویی ازکتاب "کمال الدین وتمام النعمه" از صدوق نقل می‌کند که وی از کسانی است که موفق به دیدار امام زمان علیه‌السلام شده است. (همان، ج ۲۱، ص ۱۲۷)

یکی از راههای توثیق، جمع‌آوری قرائن است، بدین معناکه گاهی علمای رجال به وثاقت راوی تصریح ندارند، ولی پاره‌ای قرائن وثاقت راوی را ثابت می‌کند. (ربانی، ص ۱۶۲) در اینجا با بهره‌مندی از توصیف صدوق دربارهٔ ابوالحسین الدینوری، می‌توان آن را قرینه بر وثاقت او دانست.

۳ـ **یعقوب بن نعیم بن عمرو بن قرقاره**: او مورد تأیید و توثیق رجالیون است و توثیق خاص برای او وجود دارد. نجاشی در رجالش دربارهٔ او گفته: «**کان جلیلا فی اصحابنا،ثقه فی الحدیث،روی عن الرضا** علیه‌السلام **و صنف کتابا فی الامامه**» (نجاشی، ص ۴۴۹)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

۴ـ **جعفر بن احمد عبدالنجار الینبعی**: نام وی درکتب رجال ثبت نشده است؛ امّا در مستدرکات علم رجال الحدیث در توثیق او آمده است: "در طریق صدوق در حدیث عمل استفتاح واقع شده است، راوی امام رضاعليه‌السلام و ثقه و جلیل می‌باشد." (نمازی شاهرودی، ج ۲، ص ۱۴۰)

۵ـ نام پدر جعفربن احمد عبدالجبار الینبعی درکتب رجال درج نشده و مهمل است.

طریقه پنجم

حدثنا جعفربن محمّد بن قولویه عن ابی عیسی عبیدالله بن الفضل بن محمّد بن هلال الطایی عن ابی محمّد عبدالله بن محمّد البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم

در بحث رجالی جعفربن محمّد بن قولویه می‌خوانیم: علمای رجال به اتفاق وی را توثیق کرده‌اند. نجاشی در توثیق اوگفته است:"کلما یوصف الناس من جمیل و ثقه و فقه فهو فوقه": هر زیبایی و علمی که مردم را با آن وصف نمایی، برتر از آن را در جعفر بن محمّد بن قولویه خواهی یافت. (النجاشی، ص ۱۲۳) وی از برجسته ترین چهره‌های راویان شیعه در قرن چهارم هجری است و یکی از بهترین شاگردان محمّد بن یعقوب کلینی و از بزرگان مشایخ شیخ مفید می‌باشد.

طریقه ششم

حدثنا محمّد بن الحسن بن اسحاق بن موسی بن جعفربن محمّد بن علی بن الحسین علی بن ابیطالب عليهم‌السلام عن ابی جعفر محمّد بن حمزه بن الحسین بن سعید المدینی عن ابیه عن ابی محمّد عبدالله بن محمّد البلوی عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء عن فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم

در جرح و تعدیل رجال سند آمده:

۱ـ **محمّد بن الحسن**: خویی وی را همان ابوعبدالله الشریف، از مشایخ صدوق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

می داند، همان شخصی که صدوق به تشویق وی کتاب من لا یحضره الفقیه را تألیف کرد.[1] (خویی، ج ۵، ص ۲۰۸)

۲ـ **ابی جعفر محمّد بن حمزه بن الحسین بن سعید المدینی**: درکتب رجال ذکری از وی به میان نیامده است؛ ولی در مستدرکات علم رجال، او از راویان دعای استفتاح معرفی شده است. (نمازی شاهرودی، ج ۷، ص ۱۵۲)

۳ـ نام پدر وی نیز درکتب رجال مذکور نیست.

طریقه هفتم

سند دعا نزد حاکم حسکانی: وی دعای شریف را با یک سند نقل کرده است. برخی رجال مذکور در طریق وی در سلسه سند صدوق ذکر شدند و از تکرار مبحث رجالی ایشان صرف نظر می‌کنیم.

ذکر سند:

الحاکم ابوطاهر محمّد بن احمد الجوری عن ابی یعلی العلوی الهمذانی عن ابی الحسین محمّد بن الحسین الدینوری عن یعقوب بن نعیم بن عمرو بن قرقاره عن جعفربن احمد بن عبدالجبار عن ابیه عن ابراهیم بن عبیدالله بن العلاء فاطمه بنت عبدالله بن ابراهیم.

درکتب رجال نامی از محمّدبن احمد الجوری و همین‌طور ابو یعلی الهمذانی نیامده است، تنها زرکلی در **الاعلام** ذیل نام محمّدبن احمد الجوری آورده است: «**فقیه مالکی، من قضاه مصر،کان محدث زمانه، اصله من البصره، کان شاعرا حسن البدیهه، مناظرا قوی الحجه**». (زرکلی، ص ۵۴)

از تأمّل در مجموعه مباحث رجالی طریقهٔ نقل دعای استفتاح، به این نتیجه می‌رسیم که راوی اولیهٔ دعای ام داوود، زنی پارسا و مورد وثوق امام صادق علیه السلام بوده

۱. دربارهٔ وثاقت مشایخ صدوق قبلاً توضیحاتی داده شد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

است، امّا در برخی از طرق نقل حدیث استفتاح، رجال مذکور در اسناد برخی ضعیف و برخی ناشناخته‌اند و برخی نیز ثقه و مورد اعتمادند. نکتهٔ مهم این است که در توثیق روایات تنها نباید به سند اکتفا کرد و ضعف و قوّت سند را تنها دلیل برای صحت یا نادرستی حدیث دانست، بلکه شاخصهٔ مهم، سنجش حدیث با قرآن و سنّت قطعی و عقل است که اگر متن حدیث از این حیث محکم و متقن باشد آن روایت قابل أخذ است.

بررسی و نقد متن دعای ام داوود

پیش از ورود به بحث و بررسی متن دعا، بحثی پیرامون کلّیت مضمون و محتوای آن داریم، آنگاه به متن می‌پردازیم.

باید گفت هر یک از دعاها و مناجاتها با زبان خاصّ خود و به گونه‌ای معارف دینی را القاء می‌کنند. بیشتر دعاها به معارف توحیدی اختصاص دارد، مانند دعای عرفه امام حسین علیه‌السلام و تعدادی از دعاهای صحیفهٔ سجادیه؛ برخی از دعاها حالات عجز و کوچکی انسان را در برابر حق تعالی بیان می‌کند، مانند تعدادی از دعاهای صحیفه سجادیه؛ بعضی از دعاها بیانگر تقاضای اتّصاف صفات حمیده و دوری از صفات رذیله از خداوند متعال است، مانند: دعای مکارم الاخلاق و دعای هشتم صحیفهٔ سجادیه. (تحریری، ص ۹)

در این میان می‌توان به دعاهایی اشاره کرد که این ویژگیها را دارد، بعلاوه برای دفع مصیبتها و رخدادها و عرض نیاز برای رفع آنها، از لسان ائمه علیهم‌السلام صدور یافته است. دعای ام داوود از این دسته است، بیانگر مواجهه عبد ضعیف و مضطّر، امّا مصمّم و امیدوار به درگاه الهی و تضّرع حال و عرض نیاز به سوی خداست.

شاکلهٔ کلّی این دعا را می‌توان در چهار بخش اصلی خلاصه کرد:

بخش اوّل آن حمد و ستایش پروردگاراست. بخش بعدی سراسر درخواست رحمت و درود است بر پاکان، اعم از فرشتگان و پیامبران خاصهٔ پیامبراسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

اهل‌بیت ایشان وگروهی از سعداء، شهدا، ابدال و اوتاد. در بخش سوّم شخص با ذکر صفات جمال و جلال الهی و اسماء حسنای پروردگار متوجه او می‌شود. در قسمت پایانی نیایش، شخص ذلّت و ضعف و نقص خود را عرضه می‌دارد و از آنجایی که نیازخواهی بخش مهمی از مناجات با پروردگار است، در پایان درخواست خود را از درگاه پروردگار متعال مسئلت می‌دارد. وقتی انسان این‌گونه خضوع خود را به درگاه پروردگار متعال عرضه می‌دارد، در این هنگام، درهای رحمت الهی به رویش باز شود و در داستان ام داوود این‌گونه شد.

امّا برای دستیابی به صحت متن، راه‌کارها و دستورالعمل‌های فراوانی وضع شده است. شیخ طوسی در کتاب **عدة الاصول** چهار ویژگی را نشانهٔ صحت متن و مضمون حدیث می‌داند: موافقت با ادله عقلیه، مطابقت با کتاب خدا، مطابقت با سنّت قطعیه و موافقت با آنچه فرقهٔ امامیه بر آن اجماع نموده‌اند. (شانه چی، ص ۱۴۶)

حدیث یا دعا باید از بعد مضمونی چند ویژگی اساسی داشته باشد:

۱ـ مطابقت با قرآن: مهمترین مبنا در احراز اصالت متن حدیث، عرضهٔ آن بر قرآن کریم است، که ملاک و معیار حق و باطل و جداکنندهٔ آنهاست. این مبنا را نخستین بار رسول خدا ﷺ به مسلمانان تعلیم فرمود و بعدها امامان شیعه بر ضرورت آن تأکید کردند. (معارف، ص ۹۱) اگر طبق این تعالیم متن دعای ام داوود بر قرآن عرضه شود، یقیناً با روح قرآن هم‌خوانی دارد و مورد تأیید آن واقع است. چراکه عمدهٔ مباحث مطرح شده در دعا، بخشی از اعتقادات حقه، مانند توحید، نبوّت عامه و نبوّت خاصه است که همان اصول و معارفی است که خداوند بندگانش را برای پذیرش آنها فرا می‌خواند و در کتاب عظیمش پیوسته از آن یاد می‌کند. علاوه بر آن برخی از فقرات دعا نیز مقتبس از قرآن کریم است. مانند این فراز: «**شَهِدَ اللهُ انّه لا الهَ الّا هوَ وَ المَلائِکهِ و اوُلواالعِلمِ قائِمًا بالقِسط ،لا الهَ الّاهوَ العزیزُ الحکیم**». (آل عمران (۳) / ۱۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

۲ـ موافقت با سنّت: مراد از سنّت، سنّت قطعی است که همهٔ مسلمان آن را به منزلهٔ یکی از مبانی دین پذیرفته و کارهای خود را براساس آن تنظیم می‌کنند و یا لااقل روایتی است که اعتبار آن از جهت صدور مورد قبول فقها و محدثان قرارگرفته باشد. (معارف، ص ۹۲) عدم مخالفت متن حدیث با سیرهٔ قطعی یکی از ملاکهای محدثان برای نقد متن است که پس از قرآن میزان و معیار روایات است. محتوای دعای شریف را باید کاملاً منطبق بر سیرهٔ معصومین علیهم‌السلام دانست. چراکه از الطاف بی‌کران پروردگار بر بندگان، این است که اولیایی را برایشان فرستاده که تمامی حقایق برای آنان آشکار است، آن حقایق و معارف را زمانی با سیرهٔ عملی و زمانی با خطابه و گاهی با زبان دعا و مناجات برای انسانها اظهار می‌کنند تا هرکس به اندازهٔ درک و فهم خود آنها را فهمیده و بهره‌ای از معارف الهی ببرد. قطعاً در تمامی این آموزه‌ها هدف اصلی، رسیدن به نهایت درجهٔ کمال انسانی است، که این مهم هم در این دعای شریف و هم در دیگر ادعیه و هم‌چنین در سیرهٔ پاک ائمه علیهم‌السلام مدّنظر قرار گرفته است. از این‌روی می‌توان گفت دعای ام داوود همگام با اهداف راستین و والای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمّهٔ معصومین علیهم‌السلام می‌باشد.

۳ـ موافقت با عقل از دیگر ملاکهای نقد حدیث است. زمانی که دلالت متنی مورد تأیید قرآن و هم موافق با سیرهٔ معصوم علیه‌السلام باشد، قطعاً با حکم عقل موافقت دارد؛ زیرا میان حکم شارع که عاقل‌ترین عقلاء است با حکم عقل منافاتی وجود ندارد. میان مضمون دعای ام داوود با عقل تعارضی دیده نمی‌شود تا راه برای تأویل و توجیه باز باشد.

۴ـ علوّ مضمون: گاهی محتوا و مضمون حدیث چنان بلند است که صدور آن از غیر معصوم ناممکن شمرده شود، چنانکه بهترین دلیل بر قطعی‌الصدور بودن قرآن علوّ معنا و اعجاز لفظی و معنوی آن است. ائمّه علیهم‌السلام در دعاهایشان آنچه راکه برای تکامل وجودی انسان ضروری است و در حرکت الهی وی دخیل است با به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

کارگیری واژه‌های بس پرمعنا وکم‌نظیر با خلاقیت هنری و ادبی وافر بیان می‌کردند. هم‌چنانکه در دعای ام داوود می‌بینیم مفاهیم عالی و واژه‌ها و ترکیبهای به کار رفته در آن حکایت از آن دارد که این‌گونه مناجات و نیایش جز در توان معصوم علیهم‌السلام نیست و تمامی فقرات آن یک منظومهٔ منظم و منسجم را سامان داده است که نفوس صالحان و پاکان را به همراه خود به سیر سماوات می‌کشاند.

نتیجه

از مجموع مباحث یاد شده صدور دعا از معصوم به دلایل زیر بعید به نظر نمی‌رسد:

۱ـ اوّل اینکه جایگاه دعای شریف از جهت منابع روایت کنندهٔ آن بسیار بلند است. دعای مزبور را عدّه‌ای از علمای بزرگ شیعه مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی، ابن طاووس، علامه مجلسی، کفعمی و همچنین حاکم حسکانی، عالم بزرگ اهل تسنّن، معتبر دانسته و در مجامع روایی خود نقل کرده‌اند که نشانگر این مطلب است که آنها دعای مزبور را تلقی به قبول کرده‌اند.

۲ـ دوم آنکه با فرض اینکه صحت سند احراز نشده باشد، طبق قاعدهٔ معروف "تسامح در ادلّهٔ سنن" در سند ادعیه نمی‌توان سخت‌گیری کرد. سخت‌گیریهای رایج در فقه شیعه در مورد اخبار و احادیثی است که در مسیراستنباط یک حکم الزامی قرار بگیرد، امّا در مسائل مستحبی به‌ویژه دعاها و زیارات آن موشکافیهای سندی معمول نیست، بلکه همین مقدار که مورد قبول مشایخ باشد و در کتب معتبر و مشهور نقل شود و محتوای آن بلند باشد کافی است.

۳ـ سوّم اینکه مفهوم و دلالت حدیث با روح قرآن و سنّت هماهنگ است و با توحید افعالی سازگاری دارد و نظیر مضامین این نیایشها را جز معصومین علیهم‌السلام نمی‌توانند بیان نمایند. بیشتر دعاهای موجود از باب بی‌نظیر بودن در مضامین و معنا مورد وثوق قرار می‌گیرند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

قابل ذکر است که اکنون نیز همه ساله هزاران نفر از مؤمنین در مساجد مختلف اعمال ام داوود را به‌جا آورده و نویسنده شاهد حصول نتایج معنوی و برآوردن حاجات عاملین آنها بوده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن اثیر، عزالدین علی‌بن ابوالکرم. **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دار صادر، ۱۹۶۵ م.

۲. ابن بابویه قمی، علی بن حسین (صدوق). **فضایل الاشهر الثلاثه**. قم: مکتبه الداوری، ۱۳۹۷ ق.

۳. ــــــــــــــــ. **کمال الدین و تمام النعمه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق.

۴. ابن داوود حلّی، تقی الدین حسن بن علی. **رجال**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.

۵. ابن طاووس، رضی الدین. **اقبال الاعمال**. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.

۶. ابن غضایری، احمدبن حسین. **الرجال**. قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ش.

۷. ابن قولویه، جعفربن محمّد. **کامل الزیارات**. تصحیح علامه عبدالحسین امینی، تهران: میقات، ۱۳۶۵ ش.

۸. امین جبل عاملی، سیّد محسن. **اعیان الشیعه**. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۹. تحریری، محمّد باقر. **نجوای عارفانه** (شرحی بر مناجات شعبانیه). تهران: حرّ، ۱۳۸۶ ش.

۱۰. جعفری، محمّد تقی. **نیایش امام حسین در صحرای عرفات**. تهران: موسسه نشر آثار علامه، ۱۳۸۲ ش.

۱۱. تهرانی، آقابزرگ. **الذریعه الی تصانیف الشیعه**. بیروت: دارالاضواء.

۱۲. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. **فضایل شهر رجب**. تهران: موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۱۳. حلّی، حسن بن یوسف بن علی بن مطهر. **خلاصه الاقوال**. تحقیق: سیّد محمّد صادق بحرالعلوم، نجف: الطبعه الحیدریه، ۱۳۸۱ ش.

۱۴. دوانی، علی. **مفاخر اسلام**. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.

۱۵. ربانی، محمّد حسن. **دانش رجال الحدیث**. مشهد: موسسه چاپ و نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۲ ش.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]

۱۶. رحمان ستایش، محمّد کاظم. **آشنایی با کتب رجالی شیعه**. تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
۱۷. رضایی، محمّد جعفر. **پژوهشی در اسناد و نسخه‌های زیارت عاشورا**. فصلنامه علمی ـ پژوهشی علوم حدیث، ش سوم و چهارم، ۱۳۸۸ ش.
۱۸. زرکلی، خیرالدین. **الاعلام**. بیروت: دارالعلم للملایین، ۲۰۰۷ م.
۱۹. سبحانی، جعفر. **کلیات فی علم رجال**. قم: مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۲۸ ق.
۲۰. صادقی اردستانی، احمد. **زنان دانشمند و راوی حدیث**. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ ش.
۲۱. طوسی، ابی جعفر محمّدبن حسن. **الرجال**. نجف: حیدریه، ۱۳۸۱ ش.
۲۲. ـــــــــــــــ **الفهرست**. تحقیق: سیّد محمّد صادق آل بحرالعلوم، نجف: المکتبه المرتضویه.
۲۳. قاسم پور، محسن و دیگران. **فرهنگ اصطلاحات درایه الحدیث و رجال**. کاشان: انتشارات دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹ ش.
۲۴. قمی، شیخ عباس. **مفاتیح الجنان**. قم: مشرقین، ۱۳۸۳ ش.
۲۵. ـــــــــــ **منتخب التواریخ**. تهران: چاپخانه علی‌اکبر علمی، ۱۳۵۲ ش.
۲۶. ـــــــــــ **منتهی الامال**. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۳۸ ش.
۲۷. ـــــــــــ **فوایدالرضویه**. انتشارات مرکزی، ۱۳۲۷ ش.
۲۸. کشی، محمّدبن عمر. **رجال**. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.
۲۹. کفعمی، تقی الدین. **المصباح**. قم: رضی، ۱۴۰۵ ق.
۳۰. ـــــــــــ **بلدالامین**. بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۳۱. مجلسی، محمّد باقر. **بحارالانوار**. بیروت: الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۳۲. محلاتی، ذبیح الله. **ریاحین الشریعه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. مدیر شانه چی، کاظم. **علم الحدیث**. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۴. معارف، مجید. **شناخت حدیث**. تهران: نبأ، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. نجاشی، احمدبن علی‌بن احمد. **الرجال**. قم: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۲۷ ق.
۳۶. نمازی شاهرودی، علی. **مستدرکات علم رجال الحدیث**. قم: ادب، ۱۴۱۴ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.36.6.7]